سرآمد اقتصاد

سه‌شنبه-۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵-سال دوازدهم-شماره ۲۴۸۴

عضو کمیسیون امنیت ملی
و سیاست خارجی مجلس:

مداخلات فرامنطقه‌ای بن‌بست امنیتی در تنگه هرمز را تشدید می‌کند

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با هشدار نسبت به تشدید بن‌بست امنیتی در تنگه هرمز بر اثر مداخلات فرامنطقه‌ای، گفت: هرگونه کنشگری علیه ثبات منطقه با پاسخی پشیمان‌کننده در زمان مقتضی تلافی خواهد شد از این رو از همسایگان خواستاریم پیش از انسداد مسیرهای دیپلماتیک، بازگشت به سیاست حسن‌همجواری را در اولویت قرار دهند.

به گزارش اقتصادسرآمد، بهنام سعیدی با اشاره به طرح‌های خصمانه ایالات متحده برای ایجاد محاصره در تنگه هرمز و تلاش برای بازگشایی خودخوانده این آبراهه با همراهی برخی کشورهای عربی، به خانه ملت گفت: بحران جاری در تنگه هرمز و توقف اجباری بیش از ۱۶۰۰ کشتی تجاری، معلول مستقیم سیاست‌های تنش‌زای واشنگتن در قلب منطقه است. آمریکا با نقض آشکار پروتکل‌های امنیت دریانوردی، مسبب اصلی ناامنی برای ناوگان بین‌المللی است.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اشاره به ناکارآمدی چتر امنیتی آمریکا برای متحدان منطقه‌ای‌اش، افزود: کشورهایی همچون امارات و بحرین که تحت القائات رژیم صهیونیستی و آمریکا، جغرافیای خود را در اختیار نیروهای متخاصم قرار داده‌اند، باید بدانند که این همراهی ضدامنیتی در حافظه راهبردی جمهوری اسلامی ثبت خواهد شد. تهران هرگونه کنشگری که ثبات منطقه را هدف قرار دهد، با پاسخی پشیمان‌کننده و در زمان مقتضی تلافی خواهد کرد.

وی هزینه‌های تبعیت از سیاست‌های دیکته شده را برای کشورهای کوچک منطقه سنگین توصیف کرد و گفت: امروز شاهد خروج معنادار سرمایه‌گذاران و اختلال جدی در کریدورهای هوایی و تجاری امارات هستیم. کشورهایی که ساختار سیاسی و اقتصادی آن‌ها نسبت به بحران‌های امنیتی به شدت آسیب‌پذیر است، نباید با طناب پوسیده آمریکا وارد چاه فتنه شوند.

سعیدی با قیاس سطح اقتدار ایران با بازیگران خرد منطقه، تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران با اتکا بر توانمندی‌های بومی و تجهیزات بازدارنده، از سطح تاب‌آوری راهبردی بالایی برخوردار است و از تنش‌های تحمیلی آسیب نخواهد دید؛ اما کشورهای همسایه که بقای خود را به اراده اجنبی پیوند زده‌اند، در برابر تبعات این فتنه افکنی‌ها بسیار شکننده خواهند بود.

نماینده مردم جیرفت و عنبرآباد در مجلس خاطر نشان کرد: تاریخ قضاوت تلخی درباره کشورهایی خواهد داشت که علیه برادر مسلمان خود با دشمنان فرامنطقه‌ای هم‌پیمان شدند. توصیه اکید ما بازگشت به سیاست حسن همجواری پیش از انسداد مسیرهای دیپلماتیک است.

سعیدی در ادامه با تبیین حقوق حاکمیتی ایران بر جغرافیای منطقه، تصریح کرد: تنگه هرمز بخشی از حوزه سرزمینی و آب‌های ساحلی جمهوری اسلامی ایران است و طبق قوانین بین‌المللی، حق حاکمیت و تصمیم‌گیری در این محدوده با کشور ساحلی است. لذا مسیر عبور و مرور هرگونه شناور، نفتکش یا زیرسطحی حتماً باید با هماهنگی و در مسیرهای مشخص‌شده توسط ایران باشد.

وی تأکید کرد: هرگونه انحراف از مسیرهای تعیین‌شده و عدم هماهنگی با مبادی ذی‌ربط، به معنای خروج از چتر امنیتی ایران است؛ در این صورت، امنیت این شناورها تضمین شده نخواهد بود و با چالش‌های جدی و غیرقابل‌پیش‌بینی مواجه خواهند شد.

این نماینده مردم در مجلس دوازدهم با اشاره به تدوین قانون جدیدی در خصوص مدیریت تنگه هرمز گفت: کمیسیون امنیت ملی طرحی جامع و کامل را آماده کرده که به زودی در صحن علنی مجلس به تصویب خواهد رسید. بر اساس این قانون، عبور از تنگه هرمز منوط به رعایت الزامات، شاخص‌ها و مقرراتی است که جمهوری اسلامی تعیین می‌کند. صرفاً داشتن تمایل به عبور کافی نیست؛ بلکه شناورها باید مجوزهای قانونی لازم را اخذ کنند.وی با اشاره به ناتوانی نیروهای فرامنطقه‌ای در تأمین امنیت، خاطرنشان کرد: کشورها باید بدانند که آمریکا قادر به تأمین امنیت آن‌ها در این آبراهه نیست؛ کما اینکه خود شناورهای آمریکایی امروز در تأمین امنیت عبورشان ناتوان هستند. تنها راه بازگشت ثبات، ترک منطقه توسط نیروهای آمریکایی و پایان دادن به محاصره دریایی است که عملاً با شکست مواجه شده است.

سعیدی تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط حاکمیتی، تنها به کشتی‌هایی اجازه تردد می‌دهد که دارای مجوز رسمی باشند. تأکید می‌کنیم که بدون مجوز، حق عبور و مرور برای هیچ شناوری وجود ندارد و در صورت تخلف، مسئولیت هرگونه حادثه یا نبود امنیت بر عهده خود آن‌ها خواهد بود.

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

شاهرگ اینترنت جهان در قبضه ایران

آیا می‌دانید هر روز چند تریلیون دلار از زیر پای ایران عبور می‌کند؟

گروه تحلیل - مرتضی فاخری - در نیمه نخست مه ۲۰۲۶، واشنگتن بار دیگر حلقه تحریم‌ها را بر گرده اقتصاد ایران تنگ‌تر کرد. این بار اما، برخلاف فشارهای پیشین که عمدتاً نفت‌کش‌ها، بانک‌ها و مسیرهای تأمین ارز را هدف می‌گرفت، تمرکز بر جنگی نوظهور قرار گرفته: جنگ داده‌ها. آمریکا در قالب بسته‌ای از تحریم‌های موسوم به «ضربت فناوری»، دسترسی شرکت‌های غربی به تجهیزات تعمیر و نگهداری زیرساخت‌های ارتباطی مستقر در آب‌های تحت نظارت ایران را محدود کرده و حتی برخی غول‌های ابری را از ارائه خدمات به کاربران از مسیر کابل‌های عبوری از تنگه هرمز منع نموده است. این اقدام در ظاهر اقدامی دفاعی برای تأمین امنیت داده‌های جهانی جلوه می‌کند، اما در باطن، قصد دارد ایران را در محلی که تاکنون کمتر روی آن تمرکز کرده، خلع سلاح کند. چنین رویکردی نشان می‌دهد که غرب به خوبی دریافته است که میدان نبرد قرن بیست و یکم، دیگر صرفاً پهنه آبی یا حریم هوایی نیست، بلکه بستر اقیانوس‌ها و کابل‌هایی است که اندیشه، تجارت و رمز پول‌های دیجیتال را جابه‌جا می‌کنند. ناآگاهی از این تحول، به منزله ایستادن در برابر قطاری است که با سرعت نور از ایستگاه تاریخ عبور می‌کند. اما برای ایران، این تهدید دقیقاً همان نقطه‌ای است که می‌تواند به یک فرصت بی‌بدیل تبدیل شود، مشروط بر آن‌که نگاه خود را از سطح دریا به ژرفای آن معطوف کند.

به گزارش اقتصادسرآمد، مرتضی فاخری-پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در این رابطه «سرآمد» نوشت: در کانون این راهبرد خصمانه، حقیقتی ژئوپلیتیکی نهفته است که متأسفانه در محافل راهبردی ایران کمتر به آن پرداخته شده: تنگه هرمز تنها یک گذرگاه نفت و کشتی نیست، بلکه شاهرگ اینترنت جهان نیز از بستر آن می‌گذرد. ده‌ها کابل فیبر نوری زیردریایی که ارتباطات قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا را ممکن می‌سازند، هر روز میلیاردها دلار تراکنش مالی، پیام‌های سوئیفت، معاملات بورس، تماس‌های رمزنگاری شده و جریان‌های داده‌ای حیاتی خدمات ابری را از دل همین تنگه جابه‌جا می‌کنند. برای آنکه خواننده عمومی روزنامه تصویر روشن‌تری به دست آورد، کافی است بداند که هر ثانیه قطع احتمالی این کابل‌ها، می‌تواند بازار سهام لندن، نیویورک و توکیو را دچار لرزه‌ای هفتاد و دو ساعته کند. بدون ذره‌ای اغراق، اقتصاد دیجیتال کره زمین در فاصله چند ده کیلومتری از سواحل ایران نفس می‌کشد. جالب آن‌که بسیاری از این کابل‌ها بدون هیچ آگاهی عمومی، از نزدیکی جزایر تنب و ابوموسی عبور داده شده‌اند و شرکت‌های بین‌المللی بدون برخورداری از هرگونه مجوز رسمی از سوی ایران، از این راهروی سودآور استفاده می‌کنند. این واقعیت، برگ برنده‌ای است که تا پیش از این، نه فقط در محاسبات دشمنان، بلکه در ادراک راهبردی ایران نیز چنانکه باید ارزش‌گذاری نشده بود. تاریخ شاهد است که ملت‌هایی که از زیرساخت‌های خاموش جغرافیای خود بی‌خبر می‌مانند، محکوم به دریافت سهم ناچیزی از کیک ثروت جهانی هستند.

در حالی که غرب برای هر متر مکعب گاز و هر بشکه نفت ترانزیتی در هرمز چانه‌زنی راهبردی انجام می‌دهد، سهم ایران از ترانزیت داده‌های جهانی عملاً صفر است. این خسران بزرگ وقتی مضاعف می‌شود که بدانیم کشورهای حاشیه خلیج فارس نظیر امارات و عمان، سال‌هاست با ایجاد ایستگاه‌های پایش کابل و اخذ عوارض عبور داده، میلیاردها دلار درآمد کسب کرده‌اند. اما جالب‌تر اینکه شرکت‌های بین‌المللی، بدون پرداخت ریالی هزینه مجوز، بیمه یا تمدید سالانه، از بستر عبوری از حریم آبی ایران استفاده کرده و سودهای نجومی می‌برند. گویی کابل‌های فیبر نوری در نگاه برخی تصمیم‌گیران کشور، همچون ماهی‌های بی‌آزار ته دریا فرض شده‌اند که نه مزاحمتی ایجاد می‌کنند و نه منفعتی به همراه دارند. این غفلت در حالی ادامه می‌یابد که هر روز اخبار مربوط به حملات سایبری، جاسوسی اقتصادی و رقابت قدرت‌ها برای تصاحب بستر دریاها، تیتر یک رسانه‌های معتبر جهان است.

اکنون اما فشارهای جدید آمریکا، شمشیر دولبه را نمایان ساخته است. از یک سو، این تحریم‌ها نشان می‌دهد که دشمن کاملاً از اهمیت این کابل‌ها آگاه است و می‌داند اگر ایران اراده کند، می‌تواند قلب گویای اقتصاد جهان را در تنگه هرمز به لرزه درآورد. به همین دلیل، او پیشدستانه می‌خواهد توان ایران را برای بهره‌برداری یا حتی تهدید به لطمه زدن به این کابل‌ها از طریق تحریم تجهیزات و خدمات مهار کند. واشنگتن به خوبی محاسبه کرده که اگر روزی ایران تصمیم بگیرد تنها با یک اخطار رسمی، عبور داده‌های مالی سوئیفت را از حریم خود مشروط به احترام به قوانین ملی کند، چه طوفانی در نظام بانکی بین‌الملل به پا خواهد شد. اما از سوی دیگر، همین اقدام واشنگتن، پرده از غفلتی بزرگ برداشت: ایران در یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی جهان برای اینترنت، فاقد هرگونه ابزار اقتصادی، حقوقی یا عملیاتی برای استحصال منافع است. یعنی دشمن به ما یادآوری کرد که روی گنج نشسته‌ایم اما نه نقشه اش را داریم و نه کلیدش را. این هشدار بی‌سابقه را باید مغتنم شمرد، چرا که معمولاً چنین آگاهی‌هایی در کام شکست‌ها به دست می‌آیند، نه در میانه یک فرصت استثنایی.

بیایید دقیق‌تر ببینیم برگ برنده ایران چه می‌تواند باشد. نخست، اخذ هزینه مجوز اولیه و تمدید سالانه از شرکت‌های خارجی دارنده و بهره‌بردار کابل‌های فیبر نوری عبوری از تنگه. این اقدام هیچ ربطی به مالکیت کابل‌ها ندارد، بلکه مبتنی بر حق حاکمیت ملی بر بستر آبی، حریم امنیتی و زیست بوم زیردریایی است. حقوق بین‌الملل دریاها، به ویژه کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها، برای کشورهای ساحلی حق وضع مقررات مربوط به کابل‌های زیردریایی در آب‌های سرزمینی و حتی منطقه انحصاری اقتصادی را به رسمیت شناخته است. متأسفانه تیم‌های حقوقی ایران هرگز این ظرفیت را به طور جدی فعال نکرده‌اند. همین امروز، نروژ از کابل‌های عبوری از آب‌هایش در قالب عوارض عبور امن، سالانه صدها میلیون دلار درآمد دارد. مصر از کانال سوئز نه فقط برای کشتی‌ها، که برای کابل‌های مدیترانه تا دریای سرخ، هزینه عبور تخصصی دریافت می‌کند. استرالیا نیز برای هر کابل جدیدی که وارد آب‌های شمالی آن می‌شود، فرایند پرداخت تضمین مالی الزامی تعریف کرده است. چرا ایران که در گردنه هرمز سخت‌ترین شرایط ژئوپلیتیکی را تحمل می‌کند، از این ابزار محروم بماند؟ این استدلال که کابل‌ها مربوط به سال‌های دور هستند و پیشینهٔ نصب آن‌ها به زمانی پیش از شکل‌گیری نظام حقوقی کنونی بازمی‌گردد، دیگر نمی‌تواند دستاویزی برای بی‌توجهی باشد. هر بازسازی، تعمیر اساسی یا تغییر مسیر کابل‌ها الزاماً در گرو تأیید کشور ساحلی است؛ و دقیقاً همین قاعده، یک اهرم حقوقی تمام‌عیار برای تولید ثروت ملی محسوب می‌شود. یک تیم مذاکره کننده کارآمد می‌تواند با صدور بخشنامه‌ای از سوی وزارت ارتباطات و سازمان بنادر و دریانوردی، تمامی بهره‌برداران کابل را ملزم به تنظیم تفاهم نامه جدید با ایران کند.

دوم، الزام غول‌های فناوری جهان یعنی متا، آمازون، مایکروسافت، گوگل و حتی شرکت‌های مخابراتی چین و هند به تبعیت از قوانین حاکمیت سایبری ایران در قبال داده‌هایی که از بستر کابل‌های عبوری از هرمز جابه جا می‌کنند. این گفته به معنای فیلتر یا کنترل مستقیم محتوا برای کاربران جهانی نیست، بلکه بدین معناست که هیچ شرکتی نمی‌تواند بدون رعایت حقوق حاکمیتی ایران از شاهراه زیر آب‌های سرزمینی ما برای ترافیک خود استفاده کند. اکنون که آمریکا تحریم فناوری علیه ایران وضع کرده، ایران می‌تواند در اقدامی متقابل و قانونی و نه نظامی، صدور مجوز عبور داده‌ها را منوط به احترام به حریم خصوصی ملی و مقررات پرداخت و مالیات بر ترانزیت داده‌ها کند. تصور کنید اگر وزارت اقتصاد ایران اعلام کند که هر بسته داده عبوری از کابل‌های هرمز مشمول مالیات یک درصدی ترانزیت دیجیتال می‌شود، چه درآمد عظیم و پایداری نصیب بودجه کشور خواهد شد. تجربه اتحادیه اروپا در الزام غول‌های آمریکایی به رعایت مقررات حفاظت از داده نشان می‌دهد که اقتصادهای بزرگ می‌توانند قواعد خود را به شرکت‌های فراملی تحمیل کنند. ایران نیز در چارچوب حقوق بین الملل دریاها و حاکمیت سایبری، چنین ظرفیتی دارد، به شرط آنکه از روی ترس یا عادت به عقب نشینی، دست از مطالبه برندارد.

سومین و شاید مهم‌ترین پیشنهاد، انحصار تعمیر، نگهداری و نظارت فنی بر کابل‌های عبوری از تنگه توسط شرکت‌های ایرانی واجد صلاحیت است. در حال حاضر، تیم‌های تعمیراتی با کشتی‌های مجهز که اغلب تحت پرچم کشورهای ثالث یا خود شرکت‌های کابلی هستند، بدون هماهنگی معنادار با ایران وارد منطقه شده و بر روی کابل‌ها کار می‌کنند. این وضعیت نه فقط از نظر امنیتی به معنای ورود و خروج اطلاعات از تجهیزات نظارتی ناشناس به حریم حساس ایران است، بلکه مانع ایجاد یک صنعت بومی تعمیرات کابل‌های زیردریایی می شود. آیا می‌توان پذیرفت که برای تعویض یک قطعه خراب در کابلی که فاصله آن تا ساحل قشم کمتر از پنجاه کیلومتر است، تیمی از سنگاپور یا هلند اعزام شود و هیچ نظارت ایرانی بر فرایند کار نباشد؟ کشورهایی چون امارات و عمان، با سرمایه گذاری روی شناورهای تخصصی کلاس کابل، ده‌ها میلیارد دلار صرفه‌جویی ارزی و درآمد داشته‌اند. ایران با بهره‌گیری از تخصص متخصصان مخابراتی، صنعت کشتی‌سازی و مهندسی دریایی، می‌تواند با سرمایه‌گذاری محدود، به قطب منطقه‌ای تعمیر کابل‌های فیبر نوری تبدیل شود. تجربه موفق ایران در بومی‌سازی سکوهای نفتی و شناورهای سنگین نشان داده که توان فنی کشور برای ورود به این عرصه کاملاً وجود دارد. تحریم‌های آمریکا علیه ایران، شرکت‌های صاحب کابل را چاره‌ای جز پذیرش خدمات ایرانی باقی نخواهد گذاشت، چراکه هر روز قطعی احتمالی کابل در هرمز میلیاردها دلار خسارت به اقتصاد جهانی می‌زند. این یک اهرم فشار هوشمندانه است که نه نیاز به درگیری نظامی دارد و نه هزینه دیپلماتیک سنگینی به همراه می‌آورد.

این سه اقدام یعنی اخذ عوارض عبور ایمن، الزام شرکت های فناوری به احترام به قوانین ایران، و انحصار تعمیر و نگهداری محلی، نه یک آرزوی نظری، بلکه یک بسته مهندسی شده اقتصادی-حقوقی است که تنگه هرمز را از یک گذرگاه منفعل انرژی به یک مرکزیت استراتژیک برای تولید ثروت مشروع تبدیل می‌کند. اگر روزی این بسته اجرایی شود، دیگر نه فقط نفت کش‌ها که جریان عظیم داده های مالی جهان تحت نظارت و به نفع ایران حرکت خواهد کرد. جالب آن‌که این اقدامات هیچ تناقضی با ثبات منطقه‌ای نداشته و برخلاف تهدید به بستن تنگه هرمز، نه موجب نگرانی شورای امنیت سازمان ملل می شود و نه دستاویزی برای ائتلاف نظامی غرب فراهم می آورد. در دنیایی که اکنون ارزش داده ها از نفت فراتر رفته است، هر دولتی که بتواند جریان داده های جهانی را در قلمرو خود چارچوب گذاری کند، از آمریکا تا چین و اروپا، عملاً بر بخشی از نظام مالی و ارتباطی جهان اشراف و درآمد خواهد داشت.

اما چرا تاکنون این فرصت مغفول مانده؟ پاسخ را باید در سه عامل جست: نخست، نگاه سنتی به تنگه هرمز صرفاً به مثابه یک معبر کشتیرانی و نفتی، بدون توجه به لایه زیرین آن یعنی بستر داده‌ها. دوم، فقدان دیپلماسی فنی و حقوقی فعال در زمینه کابل‌های زیردریایی، به گونه‌ای که حتی کارگروه تخصصی در وزارت ارتباطات برای این موضوع وجود نداشته است. سوم، ترس از واکنش های بین‌المللی و اتخاذ رویکرد انفعالی که شاید ریشه در تجربه تلخ تحریم‌های پیشین داشته باشد. اما اکنون که آمریکا خود آغازگر جنگی فناورانه علیه ایران شده، بهترین زمان برای عبور از این ترس و تبدیل تهدید به فرصت است. دشمن به ما نشان داد که کابل ها چقدر حساس و ارزشمندند؛ حالا نوبت ماست که از این آگاهی، قدرت بسازیم.

حالا و در بحران جنگ تحمیلی آمریکا علیه ایران، این پرسش از غفلت تاریخی ما بیرون می زند: آیا باز هم اجازه می دهیم برگ برنده ای به این ارزشمندی، همچون کابل های خاموش کف دریا، بدون آنکه حتی یک ریال نصیب ملت ایران کند از زیر پای مان عبور کند؟ تدبیر، ایمنی و پیشدستی در استحصال منافع از شاهرگ اینترنت جهان، نه یک انتخاب که یک ضرورت فراموش شده است. شاید باور آن برای کسانی که سال ها فقط به بشکه‌های نفت اندیشیده اند سخت باشد، اما حقیقت این است که ثروت آینده از لابه لای رشته های نور در دل دریاها می گذرد. تنگه هرمز نه فقط مسیر نفت کش ها، که اکنون محل عبور اندیشه‌ها، تجارت و قدرت جهانیان است؛ و زمان آن رسیده که ایران سهم خود را از این میزبان نادیده گرفته شده، با افتخار و قانونمندی مطالبه کند. اگر امروز این فرصت را از دست بدهیم، فردا نه تحریمی در کار خواهد بود که بهانه بیداری مان شود، بلکه حسرتی ماندگار که چرا وقتی هنوز کابل‌ها از زیر پای مان عبور می‌کردند، نخواستیم اندکی خم شویم و سهم خویش برداریم.

بدون شرح...

فریبا عزیزی -اقتصاد سرآمد

بدون شرح

قاب دوربین

عکس: اصغر بشارتی